



**دانشگاه آزاد اسلامي**

**واحد رودهن**

**دانشکده روانشناسی**

موضوع:

رابطه رنگ با تيپ شخصيتي در بين دانشجويان

دانشگاه آزاد اسلامي واحد تهران مرکزی

**استاد راهنما:**

**پژوهشگر:**

فهرست مطالب

**عنوان صفحه**

گواهي الف

سپاسگذاري ب

تقديم ج

**فصل اول: طرح تحقيق**

مقدمه 1

موضوع پژوهش 2

بيان مسئله 2

هدف پژوهش 5

فرضيه پژوهش 6

اهميت مساله 6

متغيرهاي تحقيق 9

تعريف عملياتي متغيرهاي تحقيق 9

تعريف رنگ 9

تعريف عملياتي شخصيت 11

**فصل دوم: ادبيات (پيشينه) تحقيق**

**بخش اول: رنگ ها**

مقدمه 13

تاريخچه رنگ 16

منشاء و اهميت رنگ 17

صفات رنگ 18

روانشناسي رنگها 20

تاثيرات رنگها بر روي احساس و فكر و روان انسان 22

رنگهاي اصلي و كمكي 24

جنبه هاي عاطفي شخصيت 25

رنگهاي كمكي 26

پيشينه پژوهش (آزمايش لوشر) 27

رنگ قرمز 29

رنگ زرد 30

رنگ نارنجي 33

رنگ آبي 33

رنگ سبز 36

رنگ بنفش 37

رنگ قهوه اي 40

رنگ خاكستري 41

رنگ سياه 42

تداعي رنگ و نماد گرايي رنگ 44

**بخش دوم- شخصيت و انواع آن**

تاريخچه اي از نظريه هاي شخصيت 48

ريشه و معناي واژه شخصيت 49

تعريف شخصيت 50

انواع شخصيت 52

سنخ شناسي يونگ 54

نظريه آيزنيك 56

جنبه هاي توصيفي شخصيت از ديدگاه آيزنيك 57

بعد درون گرايي- برون گرايي 60

روان نژندان 63

روان پريشان 64

عوامل سببي 65

**فصل سوم: طرح پژوهش**

جامعه تحقيق 68

نمونه تحقيق 68

روش نمونه گيري 68

ابزار تحقيق 68

اعتبار (پايايي) ورودي پرسشنامه شخصيت آيزنيك 70

نحوه طرح و اجرا آزمون 70

شيوه آماري مورد استفاده 71

**فصل چهارم: بيان و تحليل داده ها**

تجزيه و تحليل داده هاي آماري 73

جدول شماره 2 74

تفسير و نتيجه كلي جدول شماره 2 75

**فصل پنجم: خلاصه، بحث و نتيجه گيري**

خلاصه تحقيق 78

توصيه هايي براي پژوهشهاي بعدي 79

محدوديت هاي پژوهش 80

تحليل و نتايج كلي تحقيق 81

فهرست منابع فارسي 83

**پيوست**

پرسشنامه آيزنك 87

جدول تبديل نمره خام به رتبه درصدي آيزنك 91

مقدمه

انسان داراي حسي است به نام بينايي، كه اين عمل را جز چشمهاي او چيز ديگر ميسر نمي گردند. جهان هستي را بوسيلة اين دو عضو كوچك پيچيده و حساس مي توانيم ببينيم جهاني كه تمام اجزا و اشياي آن مشخصه اي به نام رنگ دارند.

هنگاميكه چشمان، بسته‌اند، جز سياهي و تاريكي چيزي وجود ندارد ولي به محض گشودن آنها دنيا پراز رنگهاي مختلف تصوير وارونه پردة حساس اتاق تاريك چشمانمان مي گردد و عمل ديدن انجام مي پذيرد در واقع اگر رنگهاي مختلف تصوير نداشت. چرا كه همانگونه كه صدا اعصاب شنوايي را تحريك مي‎كند و عمل شنيدن بوقوع مي پيوندد و به دنبال آن عكس العمل در فرد بوجود مي آيد، رنگ نيز پس از تأثير و تحريك اعصاب گيرنده خود موجب ديدن و مهمتر از آن سبب ايجاد دخالت انگيختگي در فرد مي‎شود.

روانشناسي و فيزيولوژي رنگها و نحوه تأثير آنها در حالتهاي رفتاري و رواني افراد از مباحث بسيار مهمي اند كه در زمينه رنگها قابل طرح و بررسي اند.

هر رنگي به مقتضاي خاصيت خود به نوعي در روان انسان اثر مي گذارد. كه بي ربط به رفتارهاي اجتماعي رواني او نيست. انتخاب رنگ اتاق، كتاب، ميز، لباس و … هميشه موردتوجه آدمي بوده و كسي مي خواهد رنگ ديوارهاي اتاقش كرم باشد يا ديگري سبز كم رنگ و … اينها همه گويايي تأثير رنگ در انسان اند. بطوريكه هر فردي بنا به مسايل دروني خود به رنگي انس دارد و آن را مي پسندد.

بيان مسئله:

پديده رنگ از جمله پديده هاي طبيعي است كه شناخت آن تاريخي بس كهن داشته و در طول تاريخ تكامل بشر مطرح بوده است، اين شناخت در جهت كاربرد رنگ براي زيبا جلوه دادن هر چه بيشتر و بهتر نمودن محيط زندگي است، از اين رو مطالعات و پژوهشهاي بسياري از گذشته تا حال در مورد رنگ صورت گرفته و در دو قرن اخير شناخت علمي نسبت به آن افزايش يافته است.

با شناخت علمي پديده رنگ، مساله ترجيح رنگها بر يكديگر مطرح گرديد، پژوهشهاي صورت گرفته دربارة ترجيح رنگها، از نظر روان شناسي جنبة علمي داشته و با ديدگاههايي چون نظريه هاي زيباشناسان كه ترجيح رنگها را جزء ذاتي آنها دانسته و اساساً امري ذهني تلقي مي كنند توافق نظر ندارند و با تأكيد بر ذهنيت اين امر، تحقيق در اين زمينه را بي مورد مي دانند.

آنچه مسلم است عوامل در ارتباط با ترجيح رنگ مطرح مي گردد كه به طور اختصار مي‎توان به اين گونه بيان كرد:

1. عوامل فيزيكي، شامل عواملي است كه به فيزيك نو مربوط بوده و در رويت رنگها و ترجيح رنگي بر رنگ ديگر مؤثر هستند. براي نمونه مي‎توان از طول موج و تواتر آنها نام برد.
2. عوامل فيزيولوژيكي، اين دسته از عوامل شامل فيزيولوژي چشم گيرنده هاي نور، تارها و سيستم عصبي هستند.
3. عوامل فرهنگي- اجتماعي، از جمله اين عوامل مي‎توان از ارزشهاي فرهنگي، طبقه اجتماعي، پديده هاي جمعي مانند مد، نامگذاري رنگها در فرهنگهاي مختلف و نمادگرايي نام برد.
4. عوامل فردي كه مي‎توان از حالات و واكنش هاي هيجاني، خصايص و ويژگيهاي و شخصيتي فرد نام برد كه با ساختار شخصيتي فرد در ارتباط هستند.

با توجه به اين كه، هر فرد داراي صفات، خصوصيات رفتاري و ويژگي هاي شخصيتي منحصر به فرد است و با داشتن زندگي اجتماعي و گروهي با بسياري ديگر از افراد، همنوائي دارد. انسان جهت داشتن رفتاري نسبتاً ثابت در پيرامون تعامل هاي خود، نياز به تماس و برخوردهايي با محيط داخلي و خارجي خود دارد. فرد با اعمال محركهائي از خارج متاثر گشته و نسبت به آن واكنش نشان مي‎دهد و به همين ترتيب در اثر كنش و واكنش هائي كه در درون فرد، متشكل از يادگيريهاي گذشته، نگرش و منطق و استدلالي كه از آن بهره مند است، مجموعه اي پويا ونسبتاً ثابت از رفتار پديد مي‌‌ آيد كه بدان شخصيت فرد اطلاق مي گردد.

در پژوهش حاضر، موضوع مورد بررسي در ارتباط با ترجيح رنگ وخصوصيات شخصيتي افراد است كه با پرسشنامه شخصيتي(جهت سنجش بعد درون گرا -برون گرا) و سوالهايي در مورد ترجيح رنگ است كه تشكيل مرحله اي از مراحل پژوهش را مي دهند.

بر اساس پرسشنامه ياد شده و سوال بيان شده در مورد ترجيح رنگ، اساساً رابطه بين شخصيت و رنگ بررسي و به سوال زير پاسخ داده مي شود كه:

1. آيا بين ترجيح رنگ و شخصيت افراد رابطه وجود دارد؟

هدف پژوهش:

در اجتماع امروزي كمتر كسي يافت مي‎شود كه به اهميت رنگ و اثر عميق آن روي انسان ترديد داشته باشد. هر كدام از رنگها به تفاوت سردي و گرمي يا خنثي بودن، تأثير رواني مشخصة خود را روي انسان ايجاد مي‎كند با وجود خصوصيات فوق العاده اي كه رنگ دارد غالب اشخاص نسبت به آن كم توجه و يا كاملاً بي تفاوت هستند. شناخت قدرت رنگ به انسان در حل پاره اي مشكلات كمك قابل توجهي نموده است به طبيعت نگاه كنيم تا متوجه شويم چگونه با عوض شدن فصول، رنگها نيز تغيير مي‎كند و پيوسته تركيبات زيبايي بوجود مي آورند. معيار انسان در تميز يك تركيب رنگي زيبا، طبيعت است.

طبيعت منبع الهام در فراگيري هماهنگيهاي صحيح و زيبا است. رنگهاي هيجان انگيز بهاري در مقابل با رنگهاي سرد و آرام زمستاني در احساس كاملاً متفاوت در انسان برمي انگيزند. (لوچه، 1370، صفحه 30)

عليرغم خصوصيات گوناگون رنگ، اين پديده از قواعدي پيروي مي‎كند كه شناخت آنها مي‎تواند در بهره گيري مناسب از رنگ كمك و راهنماي مؤثر مي‎باشد. با فراگيري چنين قواعدي استفاده از رنگهاي مختلف آسان گشته، مي‎توان محيط زندگي را به مكاني دلپذير براي زيستن تبديل نمود.

با توجه به توضيحات فوق هدف از اين پژوهش سعي در بررسي علاقمندي افراد نسبت به رنگي خاص و تيپهاي شخصيتي در اين زمينه مي‎باشد.

اميد است كه بتوانيم با اين پژوهش گامي مؤثر در شناخت رنگ و اهميت آن در زندگي روزمره و عادي افراد بردارم. (ويدا ابي زاده، 1372، ص 11)

فرضيه پژوهش:

پژوهش فوق داراي فرضيه زير است:

* بين انتخاب رنگ و شخصيت افراد رابطه وجود دارد.

اهميت مساله:

رنگ نيز مانند هوا و آب بخشي از دنياي ماست. هيچ چيز بدون رنگ بدون شكل مادي قابل رويت نيست، نه معماري و نه هنر و نه طراحي و …

رنگ پديده اي آنچنان وسيع است كه تلاش براي شناسايي آن در يك پاراگراف به نظر عجولانه مي‎آيد. زيرا رنگ با اغلب فعاليتهاي بشري در تماس است و در واقع مواردي كه رنگ در آن نقش نداشته باشد نادر است. فيزيك، زيست شناسي، پديده هاي ادراكي و بالخصوص روان شناسي و … همه و همه با رنگ در ارتباط هستند.

انتخاب رنگ بعنوان يكي از راههاي شناخت انسان موضوعي مورد اختلاف و بحث انگيز است. (كاركيا، فرزانه، 1375، ص 50)

به اين دليل ساده كه انسانها شبيه هم نيستند اين موضوع تا حدي بحث انگيز مي نمايد.

حتي دوقلوهاي همسان كه از نظر فيزيولوژيكي كاملاً به هم شبيه هستند نيز داراي شخصيت هاي متفاوتي مي باشند. هر قدر كه اشخاص شكاك وناباوري وجود داشته باشند ولي با افزايش تدريجي بيماريهاي رواني در سراسر دنيا، روشها و نظريه هاي جديدي براي تشخيص بيماريها ابداع مي‎شود كه رنگ را نيز شامل مي‎شود.

(كاركيا، فرزانه، 1375. ص61)

با توجه به واكنش عمومي نسبت به رنگ ها بايد گفت كه دوست داشتن يك يا تمام رنگها براي انسان كاملاً طبيعي و بهنجار است، در عوض رو كردن، انكار مطلق با ترديد در محتواي هيجاني رنگ خصيصه اي است كه ما را به انسانهاي آزرده،سرخورده و افسرده رهنمون مي‎كند. از سوي ديگر شور و نشاط بيش از اندازه نسبت به رنگ نشانه اختلال رواني و مزاج دمدمي و علايق متفاوت تو شخصيتي متزلزل است بايد به خاطر داشت كه پسند رنگ در طول زمان قابل تغيير است واگرنظر فرد نسبت به رنگ تغيير كند نشانه تغيير و تحول در شخصيت اوست. اين حالت در درون گراها بيشتر از برون گراها اتفاق مي افتد. (كاركيا، فرزانه،1375، ص66)

بنابراين انتخاب رنگهاي اصلي- فرعي- گرم و سرد مي‎تواند نمادي از شخصيت فرد مي‎باشد بطوريكه انتخاب يك رنگ گرم يا يك رنگ اصلي و يا رنگ سرد ويا يگ رنگ فرعي، شخصيت فرد را بيان مي نمايد و انسان را در گروهي خاص از تيپ هاي شخصيتي قرار مي‎دهد.

تغيير خلق در طي ساليان نظرات فرد را نسبت به رنگها تغيير مي‎دهد وهمچنين قرار گرفتن در شرايط محيطي مختلف نيز تأثير بسزايي در انتخاب رنگ دارد.

بين انتخاب رنگ و شخصيت هر فردي كه تحت تأثير عوامل مختلف وجود دارد وهمچنين پختگي شخصيت نيز موجب تغيير رنگ مي‎شود به ما ياري مي رساند كه هر چه بهتر به بررسي شخصيت و تيپ هاي مختلف از طريق انتخاب رنگ بپردازيم واطلاعات دقيقي از ميزان علاقه مندي تيپ هاي مختلف شخصيتي به رنگ سرد و گرم اصلي و فرعي داشته باشيم.

متغيرهاي تحقيق:

شخصيت هر فرد كه با استفاده از پرسشنامه شخصيت آيزنك اندازه گيري شده (متغير مستقل)

و همچنين انتخاب رنگ كه 7 رنگ ارائه شده در پرسشنامه كه عبارت بودند از:آبي، خاكستري، سبز، زرد، قرمز، سياه، قهوه اي (متغير وابسته)

تعريف عملياتي متغيرهاي تحقيق:

انتخاب رنگ: انتخاب رنگ يعني اينكه فرد از بين رنگها، بيشتر به چه رنگي علاقه دارد و كدام رنگ را بر ديگر رنگها ترجيح مي‎دهد.

رنگهاي سرد: اين رنگها جزو رنگهاي آرام وملايم هستند و كمتر از رنگهاي ديگر خود را نشان مي دهند كه شامل: آبي،آبي مايل به بنفش و بنفش و… مي باشد.

رنگهاي گرم: اين رنگها جزو رنگهاي شادي آور وتحريك آميز بوده وبيشتر از ساير رنگها خود رانشان مي دهند كه شامل: قرمز، زرد، نارنجي و…مي‎باشد.

تعريف رنگ:

رنگ، صنعتي طبيعي در اشياء است كه آنرا در تاريكي نمي توان ديد.

رنگ شديداً با نور ارتباط دارد و زيبايي چيزها از رنگشان مدد مي‎گيرند، زيبايي رنگ شكوفه‌ها، آسمان، پرندگان و حشرات شاهد آن است و يكي از مهمترين عناصري است كه مي‎تواند عواطف و احساسات را منتقل نمايد.

# پاره اي از معاني روان شناسي و فيزيولوژيكي رنگها (به نقل از لوچر، 1370، 106)

خاكستري: گوشه گيري،عدم فعاليت و بي تفاوتي

آبي: نياز به آرامش كامل و خوشنودي خاطر و علاقه زياد به دوستان و نزديكان

سبز: پشت كار و استقامت، قدرت اراده و غرور و بلند پروازي

قرمز: پيشرفت بلامانع، اميد به حل مشكلات زندگي

بنفش: روحيه شاعرانه و رومانتيك، دوستدار هنر و زيبايي، متكي بودن بر ديگران

قهوه اي: نياز شديد به آسايش جسمي و روحي، فعال، علاقه بسيار زياد به خانواده

سياه: بي علاقگي به زندگي، نفي هر چيز، بدبيني، ناباوري و لجاجت

تعريف عملياتي شخصيت:

مفهوم اصلي و اوليه شخصيت تصويري صوري و اجتماعي است و براساس نقشي كه فرد در جامعه بازي مي‎كند ترسيم مي‎شود يعني در واقع فرد به اجتماع خود شخصيتي ارائه مي‎دهد كه جامعه بر اساس آن او را ارزيابي مي نمايد و در زمان ما واز ديدگاه عامه اين مفهوم با شهرت، حيثيت اجتماعي، خصوصيات پسنديده جسمي و رواني، سنگيني و متانت خوشرويي وبسياري صفات مطلوب اجتماعي ديگر، برابر است. (شاملو، 1370، ص 50)

شخصيت عبارت است از: مجموعه اي سازمان يافته، و واحدي متشكل از خصوصيات د نسبتاً ثابت وت مداوم كه بر روي هم، يك فرد را از فرد يا افراد ديگران متمايز مي نمايد.(اتكنيسون وهمكاران،1368)

برون گرا

يكي از ويژگيهاي رواني پيشنهادي يونگ، فردبرون گرا بيشتر به زندگي اجتماعي وجهان خارج توجه دارد تا به تجربة دروني خود. (اتكسينون وهمكاران1368)

درون گرا

يكي ديگر از ويژگيهاي رواني پيشنهادي يونگ، فرد درونگرا به ويژه هنگام رويارويي با فشار رواني معمولاً در خود مي رود و از ديگران فاصله مي‎گيرد(اتكسينون وهمكاران، 1368)